



جگونگی شهادت طفل شیرخواره امام حسین(ع)

امام حسین علیه السلام به خیمه‌ها نزدیک شد و فرمود: فرزند خردسالم «علی» را به من بدهید تا با او وداع کنم.

امام حسین علیه السلام به خیمه‌ها نزدیک شد و فرمود: فرزند خردسالم «علی» را به من بدهید تا با او وداع کنم.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، روز هفتم محرم، عزاداران و مداحان اهل بیت(ع) علاوه بر مصیبت‌های دیگر شهدای کربلا، از شش ماهه ابا عبدالله الحسین علیه السلام یاد می‌کنند و برای آن طفل شهید، نوحه می‌خوانند. در این یادداشت، کیفیت شهادت این شش ماهه بیان می‌شود.

شهادت شش‌ماهه به روایت اول

هنگامی که امام حسین علیه السلام شهادت خاندان و فرزندان را دید و از آنان کسی جز امام و زنان و کودکان و فرزند بیمارش- امام سجاد علیه السلام- نماند، ندا داد:

«هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ مُعِيْثٍ يَرْجُوا اللَّهَ فِي إِغَاثَتِنَا؟ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَاثَتِنَا؟»

آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا خداپرستی در میان شما پیدا می‌شود که از خدا بترسد و ستم بر ما روا ندارد؟ آیا فریادری هست که برای خدا به فریاد ما برسد؟ آیا یاری کننده‌ای هست که با امید به عنایت خداوند به یاری ما برخیزد؟».

با طنین‌افکن شدن ندای استغاثه امام علیه السلام، صدای گریه و ناله از بانوان حرم برخاست. امام علیه السلام به خیمه‌ها نزدیک شد و فرمود: «ناولونی عَلِيًّا ابْنِي الطِّفْلَ حَتَّى اَوْدِعَهُ» فرزند خردسالم «علی» را به من بدهید تا با او وداع کنم.

فرزندش را نزد امام آوردند. امام علیه السلام در حالی که طفلش را می‌بوسید، خطاب به او فرمود: «وَبَيْلٌ لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِذَا كَانَ خَصْمُهُمْ جَدَكُ» وای به حال این گروه ستمگر آنگاه که جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان به مخاصمه برخیزد.

هنوز طفل در آغوش امام آرام نگرفته بود که حرمه بن کاهل اسدی، او را هدف قرار داد و تیری به سوی وی پرتاب کرد و گلولی او را درید، خون سرازیر شد.

امام علیه السلام دست‌ها را زیر گلولی آن طفل گرفت تا از خون پر شد؛ آنگاه خون‌ها را به سوی آسمان پاشید و به خدا عرض کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي حَبَسْتُ عَنَّا التَّصَرُّ فَاجْعَلْ ذَلِكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَّنَا»

بار الها! اگر در این دنیا ما (در ظاهر) بر این قوم پیروز نشدیم، بهتر از آن را روزی ما فرما».

بعد از شهادت آن طفل، امام علیه السلام از اسب پیاده شد و با غلاف شمشیر، قبر کوچکی کند و کودکش را به خونش آغشته ساخت و بر وی نماز گذارد (و دفن نمود). (مقتل خوارزمی، ج 2 ص 32 ؛ بحارالانوار علامه مجلسی، ج 45 ص 46 ؛ عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص 497)

علامه مجلسی می‌افزاید: امام فرمود: «هَوْنٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ يَعْنِي اللَّهَ» این مصیبت بر من آسان است، چرا که در محضر خداست.

امام باقر علیه السلام فرمود: «فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْ ذَلِكَ الدَّمِ قَطْرَةٌ إِلَى الْأَرْضِ» از خون گلولی علی اصغر که امام آنها را به آسمان پاشید، قطره‌ای به زمین برنگشت.

در روایت دیگری آمده است که امام حسین علیه السلام فرمود: «لَا يَكُونُ أَهْوَنُ عَلَيْكَ مِنْ فُصَيْلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ حَبَسْتُ عَنَّا

التَّصَرَّ، فَاجْعَلْ ذَلِكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَّنَا»

خدایا! فرزندم نزد تو کمتر از بچه ناقه صالح پیامبر نیست. خدایا! اگر پیروزی (ظاهری) را از ما دریغ داشته‌ای بهتر از آن را روزی ما فرما. (بحارالانوار علامه مجلسی، ج 45 ص 46)

شهادت شش‌ماهه به روایت دوم

معالی السبطين از قول ابو مخنف شهادت طفل شیرخوار را به گونه دیگری آورده است، می‌گوید: امام علیه‌السلام پس از شهادت علی اکبر به خواهرش فرمود: «يا اختاه اوصيك بولدي الصغير خيرا، فانه طفل صغير و له من العمر ستة أشهر» خواهرم! به فرزند خردسال نیکی کن، او خردسال است و تنها شش ماه دارد».

خواهر عرض کرد: «برادر جان! این طفل به مدت سه روز است که جرعه آبی ننوشیده است، از این گروه کمی آب بطلب!».

امام علیه‌السلام با شنیدن این سخن، طفلش را گرفت و به سوی دشمن روانه شد و فرمود:

«يا قوم قد قتلتم أخی و أولادی و أنصاری و ما بقی غیر هذا الطفل، و هو يتلظى عطشا من غیر ذنب اناه إلیکم، فاسقوه شربة من الماء»

ای مردم! شما برادر و فرزندان و یارانم را کشتید و کسی جز این طفل که بی هیچ گناهی از تشنگی می‌سوزد، نمانده است، او را با جرعه آبی سیراب کنید. (معالی السبطين، ج 1 ص 418)

و به تعبیر «نفس المهموم» امام علیه‌السلام فرمود: «يا قوم، إن لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» ای مردم اگر به من رحم نمی‌کنید به این طفل خردسال رحم کنید.

امام علیه‌السلام در حال گفتن این سخنان بود که بناگاه تیری از سوی ستمگری سیاه دل- حرمله بن کامل اسدی- حلقوم طفل را پاره کرد و از گوش تا گوش را درید.

امام علیه‌السلام کف دستش را زیر گلولی بریده طفل گرفت و چون از خون پر شد، آن را به آسمان پاشید و در روایت دیگر آمده است، امام دستانش را زیر گلولی طفل گرفت و گفت: «يا تقس اصیری فیما أصابک، الهی تری ما حل بنا فی العاجل فاجعل ذلک ذخیرة لنا فی الاجل» ای نفس! در برابر این همه مصیبت شکبیا باش! خدایا! تو می‌بینی که در این دنیای فانی چه مصائبی برای ما رخ داده، پس آن را برای روز رستاخیزمان ذخیره ساز. (نفس المهموم، ص 349)

در روایت دیگری آمده است که امام علیه‌السلام به خدا عرض کرد: «اللهم أنت تعلم أنهم دعونا لينصرونا فخذلونا و أعاثوا علينا، اللهم احبس عنهم قطر السماء، و احرمهم بركاتک، اللهم لا ترض عنهم أبدا، اللهم إنا کنت حبست عتّا التصّر فی الدنیا، فاجعله لنا ذخرا فی الآخرة و انتقم لنا من القوم الظالمین»

خدایا! تو می‌دانی که اینان ما را دعوت کردند تا به یاری‌مان بشتابند ولی ما را رها کردند و در برابر ما بپاخاستند، خدایا! باران آسمان را از آنان دریغ‌دار و آنان را از برکات محروم کن. خدایا هرگز از آنان خشنود مشو.

خدایا اگر در دنیا، پیروزی را از ما دریغ داشته‌ای، آن را ذخیره آخرت ما قرار ده و از گروه ستمکاران انتقام ما را بستان». (عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص 497)